

اهمیت اعداد در اساطیر مانوی^۱

بدرالزمان قریب^۲

ترجمه: اکرم رازگردانی^۳

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۰۳]

اعداد بخش مهمی از الهیات مانوی هستند؛ الهیاتی که از دو اصل/بُن (خوب و بد؛ نور و تاریکی)، سه زمان/دوران (دوران آغازین/آفرینش، دوره میانه/ترکیب نور و ظلمت، و دوران پایانی) و ذات چهارگانه پدر بزرگی (الوهیت، حکمت، قدرت و نور) تشکیل می‌شود. اعداد نقش مهمی در اسطوره مانوی ایفا می‌کنند. پدر بزرگی، هم یگانه شهریار روشنی در آغاز آفرینش (پیشاکیهانی) است و هم پذیرنده انوار نجات یافته در پایان جهان. افزون بر این، عدد سه بازتاب دهنده سه تجلی (سه مرحله آفرینش) است؛ نخست: ایزدان عمدتاً جنگجو؛ دوم ایزدان عمدتاً خالق و محافظ؛ سوم: ایزدان نجات بخش. یکی از مهم ترین اعداد، پنج است. این عدد همه اعداد دیگر را در اساطیر مانوی می‌پوشاند؛ بنابراین می‌خواهم ابتدا در تحلیل اهمیت عدد پنج در دو حوزه کیهانی و ساختاری سخن بگویم. هدف این مقاله طرح عدد پنج و دوازده است؛ به دیگر اعداد در مقاله/مقالات بعدی خواهم پرداخت.^۱ در سطح فضایی، قلمرو نور (بهشت روشنی) «کیهان، بهشت ابدی و جاودان» پنج بزرگی دارد: نخست:

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از اثری با مشخصات زیر:

B. Gharib, "The Importance of Numbers in Manichaean Mythology", Nāme-ye Irān-e Bāstān 1(2), 201-2002: 15-23.

۲. بدرالزمان قریب، استاد فقید دانشگاه تهران

۳. دانشجوی دکترای ادیان ایران باستان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران tofighniamaneli@gmail.com

پدر روشنی (پدر بزرگی)؛ دوم: دوازده بی‌کرانگی (آیون aeon) یا دوازده شهریاری؛ سوم: بی‌کرانگی‌های بی‌شمار (آیون آیون‌ها) یا مسکن‌های خجسته؛ چهارم: هوای زنده؛ پنجم: زمین روشن/ سرزمین روشنی. روح بزرگ (روح القدس) دمنده نفس زندگی به همه پنج بزرگی است.

این تصویری اثیری و روحانی از کیهان یا مفهوم پیشاوجودی نفس زنده کیهانی است که از پنج عنصر نیک انسان قدیم (آب، آتش، باد، روشنی و اثیر) پدید آمده است. این پنج عنصر (در متون ایرانی «پنج روشنی» نامیده می‌شود)، پنج پسر یا پنج زره انسان قدیم هستند که در پنج نبرد با پنج عنصر تاریکی رویارو می‌شوند. بعدها این پنج عنصر، روح انسان را شکل می‌دهند؛ همان روحی که در پنج زندان بدن مادی رنج می‌کشد. پنج زندان تن: استخوان، عصب، رگ، گوشت و پوست است. در برخی متون روح در رنج انسان، یعنی نفس زنده، عیسای شکوهمند نیز نامیده شده است. همچنین روح انسان پنج اندام دارد: جان (zīwahr)، زور/ قدرت (zorīh)، روشنی (rōšnīh)، زیبایی (huzirīh) و رایحه (hubodīh).

می‌توانیم تصور کنیم روح بزرگ یا نفس زندگی، تصویری از ازلیت مادر زندگی، نخستین تجلی پدر بزرگی در نخستین مرحله آفرینش است. مایلیم تأکید کنم که نخستین آفرینش (تجلی)، یک زن بوده است.

در نظر ساختاری، پدر روشنی صاحب پنج اندام عقل است: فرّ، خرد، هوش، اندیشه و بینش/ ادراک. این اندام‌های عقلایی در دومین مرحله آفرینش به روح زنده (مهر ایزد)، ایزد جهان‌آفرین منتقل می‌شود تا پنج پسر روح زنده (نگه‌دارنده شکوه، پادشاه افتخار، الماس روشنی، شهریار شکوه، و اطلس)^۲ که نقش رهبری در خلقت و حفاظت گیتی را بر عهده دارند، صاحب این ویژگی‌ها شوند. این پنج

اندام عقل پدر روشنی (یا پنج مسکن، در متون ایرانی: پنج گاه) تصویر متعالی پنج اندام روح متفکر انسان در گیتی هستند. این صفت‌های انتزاعی بعدها پنج اندام نوس/عقل روشن/منوهمد روشن، یکی از آخرین ایزدان مرحله سوم آفرینش (تجلی) شده‌اند؛ ایزدی که نقش برجسته‌ای در رهایی روح انسان بازی می‌کند. نوس روشن در بردارنده پنج فضیلت است: عشق (frihīft)، باوری/ایمان (wāwarīft)، پُری/کمال (ispurīft)، بردباری (dragmanīft/ burdīft) و دانش/حکمت ((rīftzī). با این پنج فضیلت، او برای نجات روح اسیر از قید بردگی، پنج عنصر تاریکی و برای غلبه بر پنج منشأ گناه (کینه/نفرت، خشم، هوس/شهوت، خشونت/تندی، و نادانی/جهل) عمل می‌کند.

عدد پنج در ساخت و ساز ده آسمان و هشت زمین هم دخالت دارد. خورشید و ماه هر کدام پنج دیوار (parisp)، پنج خانه (mān) و پنج فرشته «روان چین» (rwānčīn) در هر دیوار دارند. پنج طاق (tāg)^۳ و سه ستون در زمین پنجم و پنج گودال/خندق (kandār)^۴ در سرزمین تاریکی/زمین تاریک وجود دارد.

اکنون به عدد دوازده بپردازیم. از نظر شمار، یادکرد و بسامد عدد دوازده پس از پنج می‌آید. پدر روشنی دوازده پسر دارد؛^۵ دوازده عالی مقام، به همان شکل و صورت درخشان پدر. به اینها دوازده قلمرو/شهریاری/ملکوت و دوازده ائون هم می‌گویند. این خصلت‌های انتزاعی تشخیص یافته، نمادی از قدرت خردمندان پدر هستند؛ پدری که در رأس ایزدستان کیش مانی است. هر کدام از این باشندگان منعکس کننده فضایل برجسته یکی از دوازده ایزد^۶ اصلی هستند که از پدر سرچشمه می‌گیرند و با آن اعمال کیهانی خود را انجام می‌دهند. این دوازده ویژگی چنین هستند: حاکمیت، خرد، پیروزی، رضایت، شوق، صداقت، وفاداری، صبر، مهربانی، درستکاری، عقل، بخشش و نور.^۷

۱. پدر روشنی، فرمانروایی/شهریاری/ملکوتش را با قدرت اداره می‌کند؛ سه تجلی ایجاد می‌کند و قلمروش را از حمله تاریکی مصون نگاه می‌دارد.
۲. با خرد (zīrft, wihīh) او، مادر زندگی پسرش انسان قدیم را متجلی می‌کند و او را برای نبرد با نیروهای اهریمنی آماده می‌نماید. او به روح زنده در جهان مادی نیز کمک می‌رساند.
۳. انسان قدیم، ایزد قهرمان قلمرو نور است، جنگجویی که در نبرد با تاریکی خود را به منظور پیروزی^۸ نور و برای رستگاری نور برده شده قربانی می‌کند. او با عملکرد خود، رهایی (buxtzgīft) نور را تحقق می‌بخشد.
۴. به همین ترتیب پنج پسر او، پنج عنصر روشنی اسارت‌شان را با خرسندی^۹ می‌پذیرند.
۵. دوست روشنان،^{۱۰} شور و شوق و اشتیاق^{۱۱} می‌بخشد، رفتن به اردوگاه دشمن را برای کمک به اسیران می‌پذیرد و راه را به انسان قدیم نشان می‌دهد.
۶. رازی‌گرو بنای بزرگ،^{۱۲} صداقت/راستی^{۱۳} می‌بخشد و شروع به ساختن بهشت نو می‌کند.
۷. روح زنده، ایزدی قدرتمند است که با باوری/وفاداری^{۱۴} برای حفاظت از برادر اسیرش به مغاک می‌رود. او خدای آفریننده کیهان و جهان آفرین [دمیورگوس] است؛ کسی است که با کمک مادر زندگی، دو کشتی ماه و خورشید، ستارگان و سیارات، ده آسمان و هشت زمین را می‌سازد. روح زنده، ایزدی جنگجو نیز هست. او و پنج پسرش آرخن‌ها (دیوان) را اسیر می‌کنند و در آسمان به بند می‌کشند. دو پسر او الماس نور و ایزد خروش خدایانی جنگجو هستند. جهان مادی به دست پنج پسر روح زنده نگه‌داری و حفاظت می‌شود. رستگاری نورهای باقی‌مانده و اسیر در جهان و رستگاری روح انسان از سوی ایزد سومین تجلی کامل می‌شود.

۸. پیام‌آور سوم/ فرستاده سوم،^{۱۵} جهان را به حرکت درمی‌آورد. زمان را به منظور حفاظت از نور گیتی می‌آفریند. او بردباری^{۱۶} می‌بخشد و در این رسالت از سوی همتای مؤنث خود، دوشیزه روشنی یاری می‌شود.

۹. دوشیزه روشنی^{۱۷} نماد مهربانی^{۱۸} است. با اقدام مشترک او با فرستاده سوم است که نیروهای تاریکی به بند کشیده می‌شوند و در آسمان نور خود را منتقل می‌کنند و سیارات، حیوانات و روح انسان در زمین پدیدار می‌شود.

۱۰. نور نجات‌یافته از جهان مادی به وسیله ستون نور (بامستون)^{۱۹} که نماد راست‌کرداری^{۲۰} است، صعود می‌کند.

دو ایزد به طور ویژه مسئول رستگاری روح انسان هستند. آنها عقل می‌بخشند و خردشهر ایزد «ایزد جهان خرد» نامیده می‌شوند.

۱۱. نخست عیسای شکوهمند^{۲۱} نماد پدر - خداست. او وظیفه نجات روح اولین انسان (آدم) را بر عهده دارد. او داور نهایی^{۲۲} نیز می‌باشد؛ کسی که مسئول آخرین داور است.

۱۲. دوم نوس روشن^{۲۳} است، ماهیت نور، ذهن متفکر انسان همان عقل اوست. او مسئول رستگاری روح فردی انسان است. نوس روشن در جایگاه باطن/دل/ضمیر انسان عمل می‌کند و با پنج ویژگی اش راه راست را به روح انسان نشان می‌دهد.

در برخی متون، این دوازده ویژگی معرف ازلیت ادراک دوازده دوشیزه روشنی (دوازده باکره نور^{۲۴}) است. به نظر می‌رسد دوازده پسر پدر در بهشت پیشاکیهانی در برابر دوازده باکره نور در آفرینش گیتی بازتاب پیدا کرده‌اند. عدد دوازده در دوازده صورت فلکی هم دیده می‌شود؛ نیز در دوازده دروازه خورشید و ماه و در دوازده ساعت و غیره.

از منظر معادشناختی، انوار در حال رستگاری از جهان مادی به همراه دوازده ایزد اصلی و تجلیات شان و اعضایی که در بهشت نو سکونت دارند، در پایان جهان حضور پیدا خواهند کرد. نورهای نجات یافته از جهان مادی، شکلی از آخرین ایزد را می سازند (واپسین ایزد، *estumēn yazd*) که با ایزدان اصلی و فرشتگان سه دوره خلقت برای پیوستن خدای یگانه خود به سرزمین اصلی، به قلمرو یکتای نور، صعود می کنند؛ بنابراین وحدت پیشاکیهانی که دوره ظهور گیتی در تعدادی از ایزدان جمع شده و تجلی یافته بود، برای رستگاری نور، به وحدت ازلی خود برمی گردد.

در پایان باید بیفزایم که مانی اعداد را ابزاری مهم برای توضیح آمیختگی نور با ظلمت و فرایند رستگاری می دانست؛ ابزاری قابل فهم که او می توانست با آنها به اساطیرش چارچوبی روشن بخشد.

پی نوشت ها

۱. تا آنجا که مترجم می داند، این مقالات نوشته یا منتشر نشده اند.
۲. نگه دارنده شکوه بالای ده فلک می ایستد و رأس عمارت جهان مادی (پنج عنصر روشنائی) را نگه می دارد. پادشاه افتخار در هفت فلک مستقر است و دیوان را در آسمان محبوس می کند. در زبان سغدی به او لقب «آسمان شاه» داده اند (او بر آسمان ها فرمان می راند). همان گونه که از عنوان دیگرش پاهرگ بد (*pahragbed*) برمی آید، سرلشگر است. الماس روشنی، روی زمین می ایستد و با هیولای کیهانی مزَن می جنگد. نام سغدی او نشان می دهد که او با ایزد ایرانی بهرام مقایسه شده است. پادشاه شکوه زیر سطح زمین و در کار ایجاد و حفاظت از سه چرخ آتش و آب و باد است. پنجمین پسر مهر ایزد اطلس، همه بار جهان را بر دوشش حمل می کند. روح زنده البته پسر ششمی نیز دارد که نامش «ایزد خروش» (*xrōštag yazd*) است. او همتای ششمین پسر انسان قدیم، «ایزد پاسخ» (*padwāxtag*) است. او ایزد جنگجویی است که در پارسی *dēwān* *naxrostar* «سرزنش کننده دیوان» و ایزد حاکم بر زندان دیوان است (زوندرومان، ۱۹۷۹).

۳. پنج طاق و سه ستون در پنجمین زمین: اولین طاق از دیوار غربی تا ستون غربی، دومین طاق از ستون غربی تا ستون جنوبی، سومین طاق از ستون جنوبی تا ستون شرقی، چهارمین طاق از ستون شرقی تا دیوار شرقی و پنجمین طاق بزرگ از ستون شرقی تا ستون غربی است.
۴. بنای بزرگ (بام ایزد) یکی از ایزدان دومین تجلی است. در متون ایرانی «نوگ شهرآفر ایزد» هم نامیده شده است. او برای ساختن «بهشت نو» (nōgšahr) پنج خندق مرگ را پُر و تسطیح کرد.
۵. دوازده متعالی، به همان شکل و صورت درخشان پدر: پارتی *dwādēs wuzurgān uxēbēh* *puhrān hāwsār, dwādes cihrag bāmēn ce pidar rōšn* آنها را دوازده مولود متعالی هم می‌نامند: *dwādes wuzurg nuxzādān* (بویس، ۱۹۷۵: ص ۹۳).
۶. دوازده ایزد اصلی: پدر روشنی، مادر زندگی، انسان قدیم، پنج عنصر روشنی، دوست روشنان، بنای بزرگ، روح زنده، فرستاده سوم/ سومین پیام‌آور، دوشیزه روشنی، ستون نور، عیسای شکوهمند، نوس روشن.
۷. فهرست مقایسه‌ای دوازده ایزد در متون ایرانی، سریانی، چینی و اویغوری در مقاله قریب (۲۰۰۰: ص ۲۶۵) آورده شده است.
۸. پیروزی: (در پارتی: رستگاری): فارسی میانه *pērōzih*، پارتی *buxtagift*، سغدی *wanunakyāk*، سریانی *zkw*.
۹. رضایت/ خرسندی: فارسی میانه *hunsandih*، پارتی *husandift*، سغدی *xusandyāk*، سریانی *pys*.
۱۰. دوست روشنان، اولین ایزد از دومین تجلی: فارسی میانه *rōšnān xwārist*، پارتی *frih rōšn*، سغدی *frihrōšn* *βay*.
۱۱. اشتیاق: فارسی میانه *tuxšagih*، پارتی *abarang*، سغدی *anduxs*، سریانی *nkpw*.
۱۲. بنای بزرگ: فارسی میانه *yazd, rāz eg rōšn nōgšahrāfur*، پارتی *bām yazd*، سغدی *βamβay*.
۱۳. صداقت: فارسی میانه *rāstih*، پارتی *rāštift*، سغدی *rastyāk*، سریانی *srr*.
۱۴. وفاداری: فارسی میانه *wāwarih*، پارتی *wāwarift/ hamwadndift*، سغدی *warnyā*، سریانی *hymnwt*.

۱۵. فرستاده سوم: فارسی میانه narisah yazd, rōšnšahr yazd، پارتی narisaf yazd،
mihr yazd, rōšnšahr yazd, hridīg frēštāg zinārisbay (زوندردمان ۱۹۷۹)، سغدی
miši βayī, narisaf yazd, štīk frēšte. متون سغدی میترا، ایزدکهن ایرانی را با فرستاده
سوم یکی می‌داند، همان‌گونه که متون فارسی میانه آن را با روح زنده یکی می‌گیرند.
۱۶. بردباری/ صبر: فارسی میانه burdīh، پارتی burdīft, dragmandīf، سغدی urtarmikyāk.
۱۷. دوشیزه روشنی/ باکره نور: فارسی میانه (بویس، ۱۹۷۵: ص ۹۸) kanīg rōšn, sadwēs،
پارتی kanīg rōšn, βaypurēč, waxš ī zurwān.
۱۸. مهربانی/ خوبی/ ملایمت: فارسی میانه xubīh، پارتی hubasagīft، سغدی āumantyāk/
xupī/ xupyā. دوشیزه روشنی گاهی اوقات با هماهنگی توصیف می‌شود.
۱۹. ستون نور: فارسی میانه srōš ahrāy, kišwarwār yazd, abar ahrām yazd، پارتی
bāmīstun، سغدی bāmīstun, srōš art βayī، pāwkaršne, srōš art βayī.
۲۰. درستکاری/ درستی: فارسی میانه ardāyīh، پارتی razwarīft (بویس، ۱۹۷۵: ص ۱۳۲)،
سغدی razkatiyāk (زوندردمان، ۱۹۸۱: ص ۵۰).
۲۱. عیسای شکوهمند: فارسی میانه mirdān pusar, xradešahr yazd, yešo' ispīxtān،
پارتی (yašo' zīwā(h) rōypāy βayī، سغدی rōypāy βayī.
۲۲. رحمت/ بخشش: فارسی میانه išnohrīh (سیاس‌گزاری)، پارتی kirbagīft، سغدی irakrtyāk š.
۲۳. داور نهایی: پارتی dādbar rāštigar، سغدی rašti-xtu.
۲۴. دوازده باکره نور: فارسی میانه kanīgān rošnān، سغدی βaypurišt.